

ساقه‌های عطوفت یا خوشه‌های خشم؟

دکتر رضا نوربها

چکیده

تعلیق در اجرای مجازات بیانگر نوعی نرمش در سیاست جزایی دولتها و ارفاق و شفقت درقبال بعضی مجرمان به‌شمار می‌رود و از گذشته‌ای نه‌چندان دور فکر و اشتغال خاطر نظریه پردازان اخلاق، حقوقدانان و دست‌اندرکاران مسائل جزایی را به خود گرایانده است. نسبت به مجرمان چه سیاستی می‌توان در پیش گرفت؟ سیاست «ساقه‌های عطوفت» یا سیاست «خوشه‌های خشم»؟ پاسخ به این پرسشها مستلزم شناخت شخصیت مجرم است تا بتوان برخوردی مناسب با او به‌عمل آورد. به‌علاوه، بررسی وضع اجتماع و مسائل دیگر مورد بررسی قرار گرفته‌اند.

از این نهاد انتظار می‌رود که در دل حقوق جزایی که طبق سنتی دیرپا همچنان سرکوبگر عمل می‌کرده است، حقوق جزایی تعدیل یافته‌تر حتی انسانی‌تر قانونگذاری کند.

با این که بازگشت به جامعه نفعی است که بنیاد و انگیزه واقعی چنین تعلیقی به‌شمار می‌رود، منافع تعلیق در اجرای مجازات نسبت به جامعه و نیز پیشگیری از تکرار جرم مباحثی هستند که نباید از نظر دور داشت.

Tiges de la clémence ou raisins de la colère?

Dr. Reza Noorbaha

Abstrait

Le sursis à l'exécution de la peine prend en quelque sorte figure d'une atténuation de la politique criminelle des États à accorder une faveur à certains délinquants. Quelle mesure adopter à l'égard de tels délinquants? A l'arbre de la justice, poussera-t-on des tiges de la clémence ou, à l'inverse, déracinera-t-on des raisins de la colère?

Certes, la connaissance de la personnalité du délinquant en constitue la préoccupation majeure facilitant son reclassement social. D'autres soucis, tels que, intérêts sociaux, cumul d'infractions retiennent aussi l'attention.

Cette institution contribue en fin de compte à faire état, au sein d'un droit pénal traditionnellement répressif, un droit pénal plus humain.

مقدمه اول

تجاریبی از روزگاران کهن، نه در این سرزمین که در غالب نقاط عالم با کم و بیش خفت و شدت و با ملاحظاتی گاه فراوان و گاه اندک با توجه به شرایط قومی، اقلیمی و نژادی حکایت از آن دارند که آن گروه از حاکمان، والیان و سردمدارانی که برای اصلاح جامعه طریق خشونت را بر روش عطوفت مقدم شناخته‌اند توفیقی در ارائه آنچه که انجام داده‌اند نداشته‌اند و نظریه‌پردازان این گروه نیز در این راه موفق نبوده‌اند.

شاید در کوتاه مدت، برق شمشیرها، تیزی نیزه‌ها، تیغه گیوتین‌ها و طناب دارها به ظاهر چاره درد بود و موجب امنیت؛ اما وقتی وجدانهای آگاه شمشیرها را کند و صلاحیت جانهای بیدار نیزه‌ها را بی‌خاصیت کرد و انسان امیدوار به اجرای عدالت شد و علم نیز به یاری انسان شتافت، روشن گردید که نه همه غالباً گناهکارند و شقی و نه همه بیگناهند و سعید. انسانها را روانهایی است گوناگون همچنان اجسام آنها، نه هر روانی هرچند مغشوش موجب طعن و نفرین و نه هر جسمی هرچند آلوده مستحق غل و زنجیر. هر فردی را باید به عنوان یک انسان شناخت و با او برخوردی داشت انسانی. طریق خشونت بیراهه‌ای است بی‌فرجام و راه محبت راهی است منتهی به سرانجام که می‌توان انسانها را در این راه بیشتر به صلاح کشاند تا از طریق سختی و اذعاب و خشونت و این مطلب نه در مورد همه مردم صادق است که درباره بزهکاران نیز صدق می‌کند، چه مشخص نیست که هر که جرمی انجام دهد رانده از درگاه رحمت خداوند است و هر که به ظاهر پارسا زیست سرافراز بارگاه او. سعدی قطعه‌ای شیرین از این پندار دارد:

«پارسایی بر یکی از خداوندان نعمت گذر کرد که بنده‌ای را دست و پای استوار بسته عقوبت همی کرد گفت ای پسر همچو تو مخلوقی را خدای عزوجل اسیر حکم تو گردانیده است و تو را بر وی فضیلت داده، شکر نعمت باری تعالی به جای آر و چندین جفا بروی مپسند، مبادا که فردای قیامت به از تو باشد و شرمساری بری.»^۱

مقدمه دوم

این روزها شاهد صدور احکامی تند از برخی از دادگاهها هستیم که غالباً شمشیرهای تیز شدت را از غلاف بیرون کشیده‌اند و با قلم خود آنچنان می‌کنند که دیگران از قدرت قانون بهراسند و به عدالت و عدالتخواهی ایمان آورند! این دیدگاه صعب که اثر آن را در گذشته‌ها نیز می‌توان دید سیاست جنایی سرکوبگر را تشویق می‌کند و اصلاح بزهکاران را از طریق تحدید خشونت نفی می‌نماید. شاید نتوان بر روندگان این طریق چندان ایراد گرفت که چنین آموخته‌اند که چنان کنند و کوشی چنسدان معمول نمی‌دارند تا دیگر آموخته‌ها را نیز بیازمایند و این به اعتقاد من نه مشکل آنان که گرفتاری نهادهای آموزشی، بیماری بسیاری از رسانه‌ها، ناتوانی ناصحان و سردرگمی تربیت‌کنندگان است که کوششی جدی در تحرک اندیشه‌ها و گرایش افراد به غور در دیدگاههای گوناگون نمی‌کنند و حتی متأسفانه سعی بر این است که اندیشه‌ها را به مسیر مشخصی هدایت نمایند که چندان جستجوگر و کنجکاو برای طرح سؤالات و پاسخ به آنها نباشند.

۱. سعدی، گلستان، باب هفتم، تأثیر تربیت.

طبیعی است با تشویق تنفس در فضای شدت عمل نسبت به افراد و به خصوص بزهکاران، برخی از بنیادهای درخشان حقوق جزا در غبار قرار گیرند و جلوه‌ای آنچنان که شایسته آنهاست نداشته باشند و حتی گاه مورد ایراد واقع شوند. در حالی که استفاده صحیح و منطقی از این بنیادها چه بسا که بهتر و آسان‌تر مشکل جرم را که فعلاً از معضلات مهم جامعه ماست حل کند و یا گرفتاری تکرار جرم را محدود نماید. در این زمینه می‌توان از بنیادی به نام «تعلیق اجرای مجازات» نام برد که به نظر من دادگاهها با آن بسیار نامهربان برخورد می‌کنند و به خصوص در برخی از زمینه‌ها که امکان اجرای این بنیاد از هر حیث فراهم است علاقه‌ای به اعمال آن نشان نمی‌دهند و گویی دون شأن دادگاه می‌دانند که حکم به کیفر و اجرای آن ندهند.

در این نوشته کوتاه بی‌آنکه بخواهیم تعلیق اجرای مجازات را از جهات مختلف بررسی کنیم که این کار در غالب کتابهای حقوقی به خوبی انجام شده صرفاً و جهت جلب توجه به این بنیاد دقیق، به منافع تعلیق و میزان تأثیر این بنیاد از نظر تکرار جرم می‌پردازیم.

قسمت اول - منافع تعلیق^۲ اجرای مجازات

این نکته که درمان مجرم بستگی به شخصیت او دارد مسأله چندان تازه‌ای نیست، حتی فلاسفه یونان بر آن تأکید کرده‌اند اما شاید بتوان گفت نئوکلاسیک‌های معاصر مسأله را به نحو روشنی ارائه داده‌اند و عنوان کرده‌اند: «این فرض که با تحمیل رنج بر مجرم به شکل سنتی بتوان دغدغه‌های پیشگیری عام و خاص از جرایم را کاهش داد ساده‌اندیشی است».^۳

لذا ورود علم را به محدوده حقوق جزا پذیرفته‌اند که تنبیه باید توأم با یک جرم‌شناختی منطبق با شخصیت هر مجرم باشد.^۴ تحقیق‌ها نیز بر مسأله شخصیت مجرم و شناخت آن تأکید فراوان داشته‌اند همچنان که مکاتب دفاع اجتماعی جدید بر این نکته بسیار پافشاری کرده‌اند.

اما فراتر از این دیدگاهها که بیشتر به بحث درمان مجرمین حین اجرای مجازات می‌پردازند، توجه به تعلیق اجرای مجازات اهمیت بیشتری دارد زیرا در شکل اول اصولاً اجرای کیفر مطمح‌نظر است ولی باید حین اجرا درمانی مناسب منطبق با شخصیت مجرمین تعیین کرد در حالی که در شکل دوم اصولاً بحث از عدم مجازات ابتدا به شکل موقت و آنگاه به شکل دایمی است، بحثی که دیدگاه سرکوبگر حقوق جزا چندان با آن الفتی

۴. در فرانسه تعلیق ساده با قانون ۲۶ مارس ۱۸۹۱ به ابتکار ستاتور معروف «برنزه» BERENGER ایجاد شد، تعلیق مراقبتی نیز در مجموعه آیین دادرسی کیفری و تحت تأثیر بنیادی زیر عنوان Probation در انگلستان به وجود آمد. به اعتقاد حقوقدانان فرانسوی هدف سیاست جنایی در تعلیق، پیشگیری از تکرار جرم و دادن این امکان به محکوم است که طی سالهای تعلیق که دوران آزمایشی اوست شرایط بازگشت خود به جامعه را فراهم کند.

3. Cf. Merle et Vitu, *Traité de droit criminel*, n° 38.

4. *Ibid.*

ندارد و آن را نمی‌پسندد، اما در عمل دیده می‌شود که در بسیاری از کشورها علیرغم این نامهربانی، تعلیق اجرای مجازات را پذیرفته‌اند.^۵ قضای در چنین حالتی که با تعلیق اجرای مجازات موافقت می‌کند به مجرم امکان بازاجتماعی شدن را در مدتی که تعیین می‌کند می‌دهد که معمولاً این مدت را دوران آزمایش می‌گویند که محکوم پس از طی این مدت به سلامت، اصولاً دیگر مجازات را تحمل نخواهد کرد. اختیار وسیع تفویضی به قضای در این زمینه فردی کردن عمیق مجازات را به چشم می‌کشد.^۶

الف - منافع تعلیق از جهت فرد مجرم

به طور خلاصه می‌توان گفت:

- ۱- با تعقیب بزهکار و کشاندن او به دادگاه این هشدار لازم به وی داده خواهد شد که جامعه با دقت مراقب اعمال و رفتار افراد است و تخطی از مقررات را بر نمی‌تابد و بدانها بی‌اعتنا نمی‌ماند اما انتقام‌جو نیست و قصد آزار مجرم را ندارد.
- ۲- جامعه بیش از آنکه بخواهد با حربه اجرای کیفر مجرم را بترساند با مساعدت به او به طریق عدم اجرای مجازات کوشش در باز اجتماعی کردن وی دارد.
- ۳- به بزهکار با اعطای مهلت مناسبی فرصت داده می‌شود تا به اصلاح و ترمیم کاستی‌های خود و خللهای ایجاد کرده با انجام جرم بپردازد،

5. Cf. PAULIAN, Sursis à l'exécution de la peine ou sursis à la condamnation? R.D.P. 1953, pp.555 et s.

6. Cf. Salvage Philippe; Droit pénal général, 1991, p.129.

به خصوص وقتی تعلیق اجرای مجازات توأم با مراقبت‌های دقیق گردد امکان بازاجتماعی شدن به نحو مناسب‌تری فراهم می‌شود. مدت تعلیق از اهمیت زیادی برخوردار است و فرصت مناسبی است برای محکوم.

۴- بزهکار ناامید از دست دادن شغل، موقعیت اجتماعی و حرفه‌ای خود نخواهد شد، به محیط خانواده و شغلی خود باز می‌گردد و با مساعدتی که به او شده کوشش در ترمیم خدشه‌های وارد بر جامعه خواهد کرد.

۵- بزهکار محیط ناخوشایند زندان را با آثار جسمی و روانی و اجتماعی آن نخواهد دید و طعم تلخ شلاق یا دیگر مجازات‌ها را نخواهد چشید.^۷

۶- و بالاخره آن که اثر تخریبی مجازات را ترس از مجازات بیشتر از بین خواهد برد و محکوم عدالت و دستگاه عدالت را نه مقابل خود که در کنار خود خواهد دید.

ب - منافع تعلیق اجرای مجازات از جهت جامعه

در این مورد:

۱- نیروی کار و فعالیت محکوم هدر نخواهد رفت و با بازگشت به جامعه و محیط خانوادگی و کار می‌توان از هنر، علم، فن و بهره‌دهی وی استفاده کرد.

۲- از تراکم زندانیان در محیط زندانها کاسته می‌شود و در نتیجه هزینه زندان کاهش می‌پذیرد.

^۷ لازم به یادآوری است که در برخی از قوانین چون کشور ما می‌توان قسمتی از مجازات را معلق و بقیه را اجرا کرد که به اعتقاد من این نوع برخورد با منطق تعلیق همخوانی ندارد.

۳- محیط زندان به خصوص با طرحهای درمانی و اصلاحی می‌تواند آمادگی بیشتری برای بزهکارانی پیدا کند که نیاز به درمان‌های دقیق در محیط‌های زندانها دارند که با تراکم زندانیان امکان انجام این امر میسر نیست.

۴- با کم شدن تعداد زندانیان از نظر بین‌المللی نیز کشور در مظان اتهامات انبوه محکومان و کثرت بزهکاری قرار نخواهد گرفت.

۵- و مهم‌تر از همه آن که جامعه را از حالت قهر و عتاب نسبت به مجرمین خارج و موجب تشویق تعدیل خشونت خواهد گردید و نه تحریک به شدت عمل.

قسمت دوم - تأثیر تعلیق در جلوگیری از تکرار جرم

متأسفانه علیرغم این که بنیاد تعلیق در یک تحلیل عقلی و منطقی می‌تواند تأثیر فراوانی در جلوگیری از تکرار جرم داشته باشد ولی در کشور ما به دو دلیل عمده نمی‌توان تأثیر تعلیق را در این مورد به خوبی بازشناخت.

دلیل اول آن که، اصولاً دادگاههای ما (البته نه همه) در اعطای تعلیق بسیار با امساک عمل می‌کنند، حتی در مواردی که امکان تعلیق اجرای مجازات با توجه به جرم ارتكایی و خطر محدود آن و به خصوص شخصیت مجرم و موقعیت شخصی و اجتماعی وی وجود دارد به صدور حکم تعلیق اجرای مجازات مبادرت نمی‌کنند!! این بی‌توجهی دقیقاً به جهت بار دیدگاه سرکوبگر حقوق جزاست که بر برخی از دادگاههای ما سنگینی می‌کند و شاید عدم باور به اصلاح مجرمین در چنین مواردی موجب این

بی‌مهری با بنیاد تعلیق شده است. طرفداران این دیدگاه در ایران فراوانند که معتقدند با مجازات شدید بهتر و راحت‌تر می‌توان امنیت را ایجاد کرد و مردم را از خطرات مجرمین دور نگهداشت. صدور احکام اعدام‌های سریع در هفته‌های اخیر شاهد این مدعاست. این دیدگاه سنتی که در حد فراوانی از علم فاصله می‌گیرد دلیل روشنی است بر تفوق دیدگاه‌های انتقامجوی و عبرت‌آمیز بر دیدگاه‌های اصلاحی و تربیتی که بنیاد تعلیق را دچار اشکال می‌کند.

البته نظر ما بر این نیست که مجازات خالی از دیدگاه‌های اصلاحی و تربیتی است و یا این که اعتقاد ما بر تعلیق اجرای مجازات در همه موارد است، چنین نیست، اما آنچه که بر آن اصرار داریم شناخت شخصیت بیشتر مجرمین و توجه به بنیادهایی است که می‌توانند در بازاجتماعی کردن مجرمین بیشتر مؤثر باشند.

دلیل دوم آن که متأسفانه در حدودی نیز که دادگاهها از بنیاد تعلیق اجرای مجازات استفاده می‌کنند اثرات این بنیاد درمانی را نمی‌توان سنجید و مورد ارزیابی قرار داد زیرا که هیچ‌گونه آمار دقیقی که حکایت از آن کند که محکومینی که از این بنیاد استفاده کرده‌اند تا چه حد بازاجتماعی شده‌اند و چند درصد آنها به تکرار جرم روی آورده‌اند وجود ندارد و امکان یک مطالعه مقایسه‌ای و یا انتخاب گروه‌های شاهد که بتواند مؤید اثرات مفید تعلیق باشد نیز به وجود نیامده است. لذا اخذ یک نتیجه روشن و علمی میسر نیست اما همان‌طور که اشاره شد می‌توان با یک تحلیل منطقی و علمی تأثیر تعلیق را بازشناخت در حالی که بررسی آماری و علمی را نیز نباید از یاد برد.

نتیجه‌گیری

در مقاله‌ای نوشتیم:^۸ مسأله نفی مجازات نیست، بلکه سخن بر سر آن است که چند صباحی از تجربه علمی یاری بگیریم، و از داده‌های علوم برای درک انسان مجرم طلب کمک کنیم. و اینک تکرار می‌کنم که بهتر است دادگاهها با تکیه بر شناخت انسان از بنیادهایی چون تعلیق و آزادی مشروط نیز استفاده کنند. تجربه‌ها نشان داده که شدت و صعوبت گرهی از مشکلات نمی‌گشاید که ساده است فریاد کردن، خشونت ورزیدن، عتاب و خطاب کردن و احکام سخت و شدید دادن و دل خوش کردن به نامی که از صدور احکامی سخت قاضی را به شهرت می‌رساند. اما مشکل است با دل بستن به عاطفه‌ها و تن دادن به مهربانیا کوشش در جهت راهنمایی و کمک به آنانی که به دلایلی در تارهای جرم دست و پا می‌زنند و از شرایطی برخوردارند که خشونت تنها موجب ناامیدی و تجری آنها می‌شود و نه اصلاح و تربیت ایشان. برای آبیاری ساقه‌های عطوفت ابتدا باید خوشه‌های خشم را برید.

۸. نگاه کنید به: دکتر نوریها (رضا)، تشدید مجازات در بوته تجربه‌ای تازه، در نگاهی به قانون مجازات اسلامی، نشر میزان، صفحه ۷۳ و بعد.